

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد اسحاق برکت  
ویرجینیا - اضلاع متحده امریکا  
۱۲ مارچ ۲۰۱۱

## بیائید پښتو بیاموزیم!

ګړنی پښتو او لغتونه

(محاورة و لغات)

۳۴ لوست

(درس ۳۴)

درس امروز پښتو را با رفع و تصحیح یک اشتباه درس گذشته که در حقیقت آن هم آموزنده است و از آن چیزی خواهیم آموخت، شروع میکنیم. چقدر خوش میشدم اگر یکی از علاقه مندان درسهای پښتو - "شاگردانم" - مرا متوجه این اشتباه میساخت. در آن صورت بر خویش میبالیدم و افتخار میکردم که به راستی درسهای مفید بوده است. اگرچه من از این نوع اشتباهات در زبان گفتاری و هم نوشته های هم وطنانم آنقدر زیاد میبینم که این اشتباه را میتوان ناچیز شمرد، مگر بهر حال اشتباه اشتباه است، چه خرد چه بزرگ که از آن اغماض و چشم پوشی اشتباهیست خیلی بزرگتر از آن. این نوع اشتباهات کثیراً بنا بر عدم رعایت قواعد گرامری "همرنگی صفت و موصوف، متابعت فعل از فاعل و مفعول و اثر حروف یا ادات براسم" و امثالهم صورت میگیرد. اگر حیات باقی بود و فرصت دست داد و علالت مزاج هم بمن روی خوش نشان داد، مقاله جداگانه ای درین مورد عرضه خواهم کرد. بهر صورت از پرگوئی بیش از حد که متأسفانه درین دیار دور از وطن عادت سالخوردگان شده است، گذشته باصل مطلب میپردازیم.

در درس ۳۳ پښتو خواندیم:

- چا و هڅولی چي زماله بتوی نه پیسی پټ کړي؟

درین جمله گپ روی صفت "پټ" یعنی پنهان، ربودن و مخفی میچرخد.

معنی جمله ثابت است اما از نظر گرامر دو برداشت شده میتواند:

برداشت اول اینکه اگر صفت "پټ" به فاعل که مفرد مذکر است، نسبت داده میشود جمله کاملاً درست است.

برداشت دوم اینکه اگر صفت به مفعول که همانا "پیسی" جمع مؤنث "پیسه" است نسبت داده

داده میشود، در انصورت "پټ" که یک صفت سه شکلیست بایست "پټی" نوشته شود یعنی:

- **چا وهڅولي چې زما له بتوي نه پيسي پټي کړي ؟**  
 برای فهمیدن بهتر گرامری جمله لازم دیده میشود تا قدری بیشتر به تفصیلش بپردازیم.
- **بتوه :** بکس جیبی که بنابر موجودیت حرف علت "له" به شکل "بتوي" درآمده .
- هڅول** بمعنی تحریک کردن ، برانگیختن ، بران داشتن و تشویق کردن یک مصدر متعدیست که در جمله بالا بنابر موجودیت کلمه "چا" بصورت استفهامی تصریف گردیده. در ذیل این مصدر را در ماضی مطلق گردان میکنیم :
- چا وهڅولم؟ چا وهڅولي؟ چا وهڅاو؟  
 چا وهڅولو؟ چا وهڅولئ؟ چا وهڅاول؟
- احمد چا وهڅاو چې زما له خبرو نه یې سر وغراو (ورغراو) ؟  
 درین جمله که بصورت آنی بزبان آمد و قلم هم علی الفور آنرا بروی کاغذ ریخت، شما به یک مصدر ترکیبی یعنی "سرغړول" که معنی سرپیچی ، بی اطاعتی و نافرمانی را افاده میکند . چنانچه در درسهای گذشته آورده بودم "سرتکول" یعنی شکایت کردن، "سرخوځول" یعنی موافقه کردن، "سر په څېری" یعنی سر ملاق(سر معلق) "سر لوری" یعنی سرفراز "سرکوزی" بمعنی خجالت و شرمنده و غیر هم .
- مصدر "غړول" که در ترکیب آمده ، من در پښتو با چنین مصدری آشنا نیستم به نظر میرسد که در اصل "رغړول" بوده که مفهوم "لول دادن" از آن گرفته میشود. اما اینکه در زبان عامیانه و کتابی بشکل بالا به پیمانۀ وسیع مورد استعمال دارد ما نا گزیر آنرا میپذیریم و در محاوره های خود از آن استفاده میکنیم .
- **سر غړونه :** سرکشی ، سر پیچی .
- **رغړول :** لول دادن ، اما در جمله زیر بازکردن، گشودن آمده و به این مفهوم بسیار مستعمل است .
- **خدایه! څه وکړم، له هغې وخت نه چې مې سترگې دغې نړۍ ته رغړولي دي بڼه ورځ مې نه ده (نده) لیدپله .**
- **موری ! چا زما منگی رغړولي ده او هغه یې ماته کړي ده ؟**

**تر بل پښتو لوست مو په لوی او مهربان خدای سپارم!  
 بریالی او سرلږي اوسی!**